

در چنین کانسپتی هر گونه درگیری با او هزینه‌زاست. علیرغم تلاش اسرائیل برای تداوم تخاصم و حتی اقدام عملی علیه ایران، تلاش برای حل و فصل چالش‌ها با او عقلانی‌تر از ایجاد چالش جدید است. در کل من شخصاً ترامپ یا حتی ایالات متحده را انزواطلب نمی‌دانم. نه تنها ترامپ بلکه آمریکا هم با توجه به موقعیت بین‌المللی خود نمی‌تواند انزواطلب باشد. به نظر من بهترین توصیف را مادالین آلبرایت دارد که گفته است: «آمریکا یک ملت غیرقابل چشم‌پوشی است.»

◀ **با توجه به این توضیحات، متغیر برنامه هسته‌ای و اسرائیل را در روابط ایران و آمریکای ترامپ باید چگونه دید؟ چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای ایران وجود خواهد داشت؟** ترامپ افرادی در کابینه خود منصوب کرده که در مقایسه با خودش، دیدگاه‌های نگران‌کننده‌ای دارند، به عنوان مثال، مارکو روبریو در وزارت خارجه امکان ندارد موضعی اتخاذ کند که حتی اندکی به نفع ایران یا مخالف اسرائیل باشد. سایر اعضای کلیدی کابینه هم مانند مشاور امنیت ملی و وزیر دفاع، گرایش‌های آشکاری در حمایت از اسرائیل و مخالفت با ایران دارند. این مسأله شرایط را پیچیده‌تر می‌کند و ما را نیازمند رویکردی دقیق‌تر می‌کند.

اسرائیل دنبال بهانه برای حمله به ایران است. خودش نمی‌تواند به تنهایی بجنگد. البته چون ما و اسرائیل هم‌جوار نیستیم، جز شلیک موشک به یکدیگر، کاری نمی‌توانیم بکنیم. حرف من این است که ترامپ تمایلی به جنگ با ایران ندارد ولی اسرائیل ممکن است بتواند آمریکا را به جنگ با ایران بکشاند. حالا اینکه در این جنگ احتمالی، آمریکا چطور و چقدر از اسرائیل حمایت می‌کند، بستگی به شرایط دارد. ولی این اتفاق ممکن است در دوره نخست‌وزیری نتانیاهو رخ ندهد؛ چون او به عنوان یک جنگ‌طلب مشروعبیتش را از دست داده و حتی در غرب هم بشدت منفور است. ولی اگر شخص دیگری قدرت را به دست بگیرد که از وجهه مشروعبیتش برخوردار باشد، احتمال حمایت تمام‌قد آمریکا از اسرائیل بیشتر می‌شود. با توجه به ارتباط نتانیاهو با ترامپ، اگر نتوانیم با خود او به توافق برسیم، اگرچه نمی‌شود قطعی گفت ولی به احتمال زیاد فشار اسرائیل و تهدیدات امنیتی علیه ایران بیشتر خواهد شد.

◀ **رئیس‌جمهوری آمریکا در قبال ایران سیاست مشخص بازگشت کارزار فشار حداکثری و تهدید نظامی برای برنامه هسته‌ای ایران را در کنار تمایل برای توافق با ایران در پیش گرفته است. روند تحولات آتی میان تهران و واشنگتن را چگونه باید فهم و پیش‌بینی کرد؟ اساساً جمهوری اسلامی ایران**

چه راهکارهایی می‌تواند برای مقابله با دولت ترامپ تعریف و طراحی کند؟

ترامپ در عین حال که تمایل چندانی برای ورود به جنگ ندارد، اما غیرقابل پیش‌بینی بودن او باعث می‌شود که هیچ‌کس نتواند با اطمینان درباره اقدامات آینده‌اش صحبت کند. او ممکن است یک روز اعلام کند که حاضر است برای برقراری روابط به تهران سفر کند و روز بعد تهدید به حمله نظامی کند. در نتیجه این دوگانگی رفتاری، هم فرصت‌ها و هم تهدیدهایی را برای ایران ایجاد می‌کند. ترامپ در رویکرد نوین خود در قبال جمهوری اسلامی ایران استفاده توأمان از دو گزینه «دیپلماسی» و «فشار حداکثری» را پیگیری می‌کند. او به عنوان یک فرد خودشیفته، حل مسأله ایران را فرصتی برای افزایش پرستیژ شخصی خود می‌داند و ممکن است تصور کند که راهکار چالش ایران می‌تواند جایزه نوبل صلح را برایش به ارمغان بیاورد. حتی ترامپ ممکن است بخواهد بیشتر از اوباما امتیاز بدهد. او فقط می‌خواهد توافقی در دولت خودش شکل بگیرد تا اسم خودش را هم بر توافق جدید بگذارد. او می‌خواهد بگوید این توافق کار من است و خیلی بهتر از توافق قبلی است. مثل کاری که در سال ۲۰۱۷ با قرارداد نفتا بین آمریکا و مکزیک و کانادا انجام داد و در سال ۲۰۱۸ قراردادی جدید جانشین آن شد.

با این وجود من قبلاً هم در مقاله‌ای برای روزنامه ایران نوشتم چون سیاست آمریکا و سیاست ایران هم «ضد مهار به علاوه تعامل گزینشی» بوده که به دفعات و فقط در موارد اوزانسی به حل و فصل موضوعات در دستور کار دو طرف انجامیده است؛ مذاکرات دو کشور تنها در صورتی نتیجه می‌دهد که جامع و مستقیم باشد. گذر زمان و روند تصاعد بحران، نادرستی



ترامپ در رویکرد نوین خود در قبال

جمهوری اسلامی ایران استفاده

توأم از دو گزینه «دیپلماسی» و

«فشار حداکثری» را پیگیری می‌کند.

او به عنوان یک فرد خودشیفته، حل

مسأله ایران را فرصتی برای افزایش

پرستیژ شخصی خود می‌داند و ممکن

است تصور کند که راهکار چالش ایران

می‌تواند جایزه نوبل صلح را برایش به

ارمغان بیاورد. حتی ترامپ ممکن است

بخواهد بیشتر از اوباما امتیاز بدهد

سیاست «حل مسأله موردی» را به نمایش گذاشته است. در نتیجه سیاست ما باید «ضد مهار به علاوه تعامل همه‌جانبه» باشد. به نظر من، ترامپ سیاست فشار حداکثری را از طریق افزایش تحریم‌ها از سر خواهد گرفت و تلاش خواهد کرد ایران را در عرصه دیپلماسی منزوی کند و منتظر خواهد ماند تا ایران برای مذاکره پیشقدم شود. اگر ما زودتر اقدام کنیم و از رویکردهای متفاوتی بهره بگیریم، شاید بتوان از این وضعیت عبور کنیم و فرصت‌های جدیدی برای کسب منافع ملی خلق کنیم. به عنوان مثال، مذاکره با ایلان ماسک می‌تواند گزینه‌ای هوشمندانه باشد. او به عنوان یک تاجر موفق، درک گسترده‌ای از فرصت‌های اقتصادی دارد و می‌داند که ایران پتانسیل سرمایه‌گذاری بسیار بالایی دارد.

◀ **موضوع دیگر روابط ایران با چین و روسیه در ۴ سال دوم ریاست جمهوری ترامپ است. یک نگاه این است که با توجه به دینامیسم سیاست بین‌الملل در ماه‌های پیش رو که معامله قدرت‌های بزرگ درباره بازیگران پیرامونی را حاکم خواهد کرد مانند رفتار ترامپ با اوکراین، مسکو و پکن به نوعی با آمریکای ترامپ بر سر ایران معامله خواهند کرد و ما را به اصطلاح وجه‌المصالحه قرار خواهند داد. در مقابل یک نگاه دیگری وجود دارد و بر این گزاره مبتنی است که ایران با توجه به پویایی‌های بین‌المللی می‌تواند از همسو شدن روسیه و چین با آمریکا بهره‌برداری کرده و منافع ملی را تأمین کند. کدام دیدگاه با واقعیت‌های موجود همخوان‌تر است؟**

من معتقدم بدون توافق با آمریکا، راه به جایی نخواهیم برد. اروپا، چین و روسیه می‌توانند در حد محدودی با ما همکاری داشته باشند تازه با شرایطی که به نفع خودشان باشد. اگر مسائل خود را با آمریکا حل نکنیم، شرایط دشوارتری خواهیم داشت چرا که احتمالاً ترامپ فشار بیشتری بر چینی‌ها وارد خواهد کرد و فروش نفت ما کاهش خواهد یافت یا اینکه آمریکا مشکلاتش را با روسیه حل کند و روس‌ها رویکرد خود را تغییر دهند و آنچنان تمایلی به حمایت دیپلماتیک یا اقتصادی از ایران نداشته باشند.

مذاکره با اروپایی‌ها هم لزوماً بد نیست، اما تجربه گذشته نشان داد که پس از خروج آمریکا از برجام، نه تنها اروپایی‌ها بلکه حتی روس‌ها و چینی‌ها نیز اقدام مؤثری انجام ندادند.

بنابراین، بازیگر اصلی آمریکا است. البته به نظر من باید همچنان روابط خوبی با روسیه و چین داشته باشیم، آن را حفظ کنیم و از منافع اقتصادی و سیاسی آنها بهره‌مند شویم، اما اصل مسأله جای دیگری است و توافق باید با طرف دیگری صورت گیرد. ◀